

## جایگاه ادبیات عامه در مجموعه‌های تلویزیونی رسانه ملی<sup>۱</sup>

فاطمه عظیمی فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

فرهنگ مردم یا فرهنگ عامه، همه ابعاد زندگی انسان از باورها و عقاید گرفته تا آداب و رسوم و خلق و خو و هنجارها و هنر را در برمی‌گیرد. ادبیات عامه نیز که خود گستره وسیعی دارد و شامل ترانه و اشعار، چیستان، مثل، مثل، ضرب‌المثل، دعا، سوگند، قصه و ترانه کار و جز آن می‌شود، بخشی از فرهنگ مردم را تشکیل می‌دهد. فرهنگ مردم پدیده‌ای پویاست که به طور دائم در حال تحول است و بخشی از هویت فردی و جمعی را بازنمایی می‌کند. رسانه‌ها، به‌ویژه تلویزیون یکی از عواملی هستند که شناخت عناصر هویتی را ممکن می‌سازند. در ایران سریال‌سازی تلویزیونی با رویکرد ملی و فرهنگی بعد از ورود تلویزیون به ایران در سال 1337 آغاز شد. در مقاله حاضر تلاش شده است میزان حضور ادبیات عامه در مجموعه‌های تلویزیونی سیما در گروه اجتماعی بررسی شود. از این‌رو، سه مجموعه تلویزیونی (در پناه تو، اولین شب آرامش و تکیه بر باد) انتخاب شدند. در این مقاله تلاش شد مصادیقی از ادبیات عامه از جمله: ترانه و اشعار، چیستان، مثل، مثل، و قصه، کنایه و اصطلاح، دعا و سوگند در سه مجموعه استخراج گردد. نتایج نشان می‌دهد میزان حضور عناصر ادبیات عامه در مجموعه‌های بررسی شده محدود است.

**واژه‌های کلیدی:** هویت ملی، فرهنگ مردم، ادبیات عامه، مجموعه‌های تلویزیونی.

### مقدمه

هویت فرهنگی یک ملت حاصل خودآگاهی نسبت به انباشتی تاریخی از تجربه‌های فرهنگی آن ملت است که در طول زمان شکل گرفته است. طبیعی است که این مبنا در مورد کشوری چون ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، چراکه پیشینه تاریخی - تمدنی آن به هزاران سال می‌رسد و مجموعه بی‌نظیری از انباشت‌های گوناگون تجربی را در خود اندوخته است. (آشنا و روحانی، 162:1389)

انسان امروز بیش از پیش محتاج شناخت پیشینه، تاریخ و احوال گذشتگان خود است (مک‌لوهان، 148:1377). از روزگاران قدیم در کتاب‌های نظم و نثر فارسی، معتقدات، آداب و رسوم، سنت‌های عوام و افسانه‌های عامیانه به حد

1. این مقاله در مجموعه مقالات دومین همایش ملی نگاهی نو به زبان و ادبیات عامه (بوشهر 1396) منتشر شده است.

2. دکتری زبان‌شناسی همگانی، رایانامه: f.azimifard@irib.ir

وفور در داستان‌های تاریخی و حماسی به کار رفت و با مطالعه آثار بزرگ ادبی ایران زمین، می‌توان نفوذ و تأثیر این اعتقادات و آداب و رسوم را به روشنی دریافت. (انجوی شیرازی و ظرفیان، 1371: 11-12)

فرهنگ مردم همه ابعاد زندگی انسان را در برمی‌گیرد؛ با شمولیتی اعجاب‌انگیز بر باورها و عقاید، خلق‌و‌خو و عادات، هنجارها و عرفیات و آداب و رسوم و هر آنچه که به ذوق و هنر و خرد انسانی مرتبط است (مظاهری، 1387: 6). کارکردهای متفاوتی برای فرهنگ مردم ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به ایجاد همبستگی میان اقوام یک ملت و نوعی رابطه فرهنگی بین نسل‌های مختلف اشاره کرد. در حقیقت می‌توان گفت که فرهنگ مردم برای نسل‌های مختلف، نقش مدرسه را بازی می‌کند. به‌ویژه در گذشته، به دلیل نبود رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به شکل امروزی، این نقش، مهم‌ترین کارکرد آن به شمار می‌آمده است (ماکویی، 1396: 42).

پژوهش در فرهنگ مردم ضرورت جدی علمی و فرهنگی هر جامعه است و ترانه‌ها، اشعار، چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، تمثیل و مثل، روایات مذهبی، دعاها و سوگندها، قصه‌ها، حیوانات و گیاهان، متل‌ها، ترانه‌های کار، لطیفه‌ها و جز آن در گستره عظیم و بی‌منتهای ادبیات شفاهی ایران، هر یک حوزه‌های تحقیقی و تحلیلی خاص خود را از مکاتب علمی مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و ادبیات می‌طلبند. (همان: 8)

رسانه‌ها، به‌ویژه تلویزیون یکی از عواملی هستند که شناخت عناصر هویتی را ممکن می‌سازند. بدین ترتیب، در دوران معاصر، افراد هویت‌های خود را با تصاویر و عناوینی شکل می‌دهند که به صورت بازتابی از صنایع رسانه‌ای و فرهنگی دریافت کرده‌اند. در ایران همچون دیگر کشورهای جهان، سریال‌های تلویزیونی بخش عمده‌ای از ژانر نمایش را به خود اختصاص می‌دهند. سریال‌ها که از ابتدای فعالیت تلویزیون، مخاطبان گسترده‌ای را از هر قشری به خود جلب می‌کنند، جزیی از فرهنگ ایران و برآمده از جامعه ایرانی هستند. از این‌رو، بررسی آنها در حوزه علوم اجتماعی حائز اهمیت است. عناصر فرهنگ مردم به‌ویژه ادب عامه، پتانسیل فراوانی برای حضور در سریال‌سازی دارند. اما تاکنون کمتر به این مبحث پرداخته شده است. هدف اصلی این مقاله آن است که میزان حضور ادب عامه در سریال‌های تلویزیونی سه دهه اخیر به شکل نمونه بررسی شود. از این‌رو، پس از پرداختن به پیشینه، مبانی نظری و روش، تحلیل داده به روش تحلیل محتوای کیفی در سریال‌های نمونه بررسی خواهد شد.

#### پیشینه پژوهش

در حوزه فرهنگ مردم و ادبیات عامه در مجموعه‌های تلویزیونی، پژوهش‌های محدودی انجام گرفته است که به چند نمونه در اینجا اشاره می‌شود:

آذری (1386) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی فرهنگ‌های محلی در تلویزیون ایران» به تحلیل گفتمان انتقادی نحوه‌ی بازنمایی فرهنگ لری در سریال «باران بهاری» (مسعود رشیدی، 1385) پرداخته است، که براساس آن، فرهنگ محلی لری و اعضای متعلق به آن را با کلیشه‌هایی چون سادگی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، حقارت و تهیدستی، وضعیت ظاهری و پوشش نامناسب، و نداشتن هرگونه رفتار خلاف اخلاق بازنمایی می‌کند.

رضایی و کاظمی (1387) در «بازنمایی اقلیت‌های قومی در سریال‌های تلویزیونی» اشکال بازنمایی قومیت‌ها در دو سریال ایرانی «آهوی ماه نهم» (مسعود نوایی، 1383) و «آگه بابام زنده بود» (همایون اسعدیان، 1383) را به شیوه‌ای کیفی بررسی کرده‌اند.

لاجوردی‌زاده و ماحوزی (1392) در مقاله‌ای با عنوان «عناصری از فرهنگ عامه در رمان همسایه‌ها (احمد محمود)» به بررسی جلوه‌های مادی و معنوی فرهنگ عامه در این رمان و نحوه‌ی به‌کارگیری آنها پرداخته‌اند. این مقاله نشان می‌دهد رمان همسایه‌ها گستره‌ای از فرهنگ توده مردم را با بهره‌گیری از عناصر زبانی روایت می‌کند که در بردارنده باورها، رفتارها، آیین‌ها و جلوه‌های متنوعی از پیچیده‌گی‌های زبان فارسی و اقلیم جنوب است.

عظیمی‌فرد (1394) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی عناصر فرهنگ مردم در مجموعه‌های تلویزیونی سیما» به بررسی بازنمایی عناصر فرهنگ مردم به عنوان بعد فرهنگی هویت ملی در دو سریال به روش نشانه‌شناسی پرداخته است.

ماکویی (1396) در پژوهش «بازنمایی مؤلفه‌های فرهنگ مردم در مجموعه‌های تلویزیونی؛ مطالعه موردی سریال «پرده‌نشین»»، مؤلفه‌های فرهنگ مردم را در مجموعه تلویزیونی «پرده‌نشین» به روش نشانه‌شناسی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که این سریال درصدد نشان دادن سبک زندگی جدیدی است که در کشور از آن به سبک زندگی ایرانی-اسلامی تعبیر می‌شود.

محمودی بختیاری (1396) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی زبان و فرهنگ اقوام ایرانی در سریال‌های تلویزیونی رسانه ملی» با روش نشانه‌شناسی فرهنگی با تمرکز بر سریال‌های شاخص تلویزیونی که به آیین، رسوم و فرهنگ‌های اقوام مختلف ایرانی می‌پردازند، تلاش کرده است تا بازنمایی و تصویرسازی فرهنگ‌های ایرانی را در این آثار ریشه‌یابی کند. در جریان این پژوهش، آیین‌ها، گویش‌ها، شخصیت‌ها،

رخدادها و پدیده‌های موجود در این سریال‌ها با واقعیت خارجی آن‌ها تطبیق داده شده و تأثیر بازنمایی آن مورد ارزیابی قرار گرفته است؛ تا مشخص شود که تا چه حد این آثار در بازنمایی واقعی خرد فرهنگ‌های ایرانی موفق بوده‌اند.

## مبانی نظری

### هویت ملی

هویت روایتی است که فرد یا گروه در مورد خود دارند و در پاسخ به سؤالاتی همچون «من کیستم (یا ما کیستیم)» و «چه انتظاراتی از من (یا ما) می‌رود» ارائه می‌شود (زاهد، 1384:129). «هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است» (همان، 131). در شکل‌گیری هویت جمعی یک کشور ابعاد گسترده‌ای از جمله وابستگی جغرافیایی، دینی، نژادی، فرهنگی و زبانی، اخلاقی و اجتماعی دخیل هستند.

هوارت (C. Howarth) نیز در مقاله «هویت از چشم چه کسی؟ نقش بازنمایی در برساخت هویت» (Identity in Whose Eyes? The Role of Representation in Identity Construction) (2002)، به بررسی تأثیر بازنمایی‌ها و برداشت دیگران بر برساخت هویت پرداخته است.

در تمامی تعاریف مربوط به هویت ملی بر ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی یک ملت تأکید شده است.

هویت ملی را می‌توان فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی درخصوص خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق و خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های مهم از هویت تاریخی خود تعریف کرد. بدین ترتیب، هویت ملی که مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است، سبب تفاوت جوامع از هم می‌شود. (مزیدی و امام‌راد، 162-161: 1390)

پژوهشگران دسته‌بندی‌های مختلفی برای مؤلفه‌های هویت ملی ارائه کرده‌اند. حاجیانی (1388) هویت ملی را در قالب سه مؤلفه کلان عناصر اصلی ملیت ایرانی (اجتماع، فرهنگ و دولت)، هویت مدنی و شهروندی و هویت ناسیونالیستی ارائه می‌دهد.

ساعی (1389) هویت ملی را در پنج بعد اجتماعی (خصلت‌های اجتماعی ایرانیان، انسجام اجتماعی)، فرهنگی (رسوم و سنن ملی، هنرهای ملی و بومی، مفاخر و شخصیت‌های فرهنگی، زبان و ادبیات ملی و باورها و ارزش‌های دینی)، تاریخی (شخصیت‌های تاریخ‌ساز، وقایع تاریخی، مکان‌ها و بناهای تاریخی)، جغرافیایی و سرزمینی (سرزمین و جغرافیای ایران، میراث سیاسی، نمادهای سیاسی ملی) و مدرن (ارزش‌های مدرن، آزادی‌خواهی، تکثرگرایی، تجددگرایی در سبک زندگی) تقسیم می‌کند.

آشنا و روحانی (1387) نیز معتقدند مؤلفه‌های اصلی هویت فرهنگی ایرانیان را می‌توان در پنج حوزه تحلیل کرد: دیانت، زبان، جغرافیای فرهنگی، تاریخ، حافظه فرهنگی و نظام اجتماعی. در همه این تعاریف زبان و فرهنگ به‌عنوان یکی از ابعاد هویتی، حضوری مشخص دارند.

### فرهنگ مردم و ادبیات عامه

سابقه پژوهش در مورد فولکلور (فرهنگ مردم) شاید به قرن پانزدهم بازگردد که رابله (F. Rabelais) نویسنده، طیب و کشیش معروف فرانسوی، شوخی‌ها و هزلیات متداول میان عامه را جمع‌آوری کرد و همراه تفسیرهایی که امروز نیز راهنمای پژوهشگران فولکلور است، منتشر کرد (روح‌الامینی، 254:1379). هنری بورن (H. Bourne)، در قرن 18، نخستین اثر مهم در موضوع فولکلور را با عنوان «زندگی عامه مردم در روزگار باستان» منتشر کرد. این کتاب در اصل شرحی بر آداب و رسوم و جشن‌های مذهبی مردم بود. جان گوتفرید فون هررد (J. G. Von Herder) در سال 1778 مجموعه ارزشمندی از تصنیف‌ها و ترانه‌های آلمانی گردآورد و برادران گریم (Grimm) افسانه‌های ملی و قومی را در دو مجلد تدوین کردند. (تمیم‌داری، 13:1394)

روح‌الامینی در کتاب مبانی انسان‌شناسی فولکلور را این‌گونه تعریف کرده است: «می‌توان آن را مجموعه‌ای از دانستنیها و اعمال و رفتاری دانست که بین عامه مردم بدون در نظر گرفتن (و حتی بدون وجود) فواید علمی و منطقی آن، سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل به صورت تجربه به ارث رسیده است».

به اعتقاد جعفری قنواتی مجموعه ادبیات، هنر، دانش، دین، آفرینش‌ها و در کل فرهنگ هر جامعه را می‌توان به دو بخش یا حوزه کلی تقسیم کرد؛ یکی حوزه رسمی و دوم حوزه غیررسمی که باید آن را فولکلور نامید. (جعفری قنواتی، 10:1394)

قنواتی معتقد است: «ادبیاتی که خارج از حوزه متولیان رسمی ادبیات، شکل می‌گیرد و رواج می‌یابد، باورها و مراسم دینی که خارج از حوزه دین رسمی رواج دارد (مانند سفره‌های نذری) و روش‌های رایج مقابله با بیماری‌ها (قدیم و جدید) در میان مردم، همگی بخش‌هایی از فولکلور هستند.» (11:1394)

ذوالفقاری (10:1394) فرهنگ مردم را این‌گونه تعریف کرده است: «فرهنگ مردم شامل مجموعه باورها، عادات، آداب و رسوم، جشنها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها، مثلها و چیستانهاست که حوزه گسترده و چارچوب‌ناپذیر دارد؛ سال و پویاست؛ در تحول همیشگی و بازآفرینی است و با نیازها

و موقعیتهای تازه، همسویی و هماهنگی دارد؛ به اشخاص و گروه‌های خاص وابسته نیست؛ حرکتی جمعی است و در طول تاریخ همگان سازنده آن‌اند.»

در ایران، جمع‌آوری فرهنگ مردم با فعالیت‌های نظام‌مند مرحوم انجوی شیرازی شکل تازه‌ای گرفت. انجوی اگرچه کارهای پراکنده‌ای درخصوص گردآوری فولکلور زادگاه خود و نیز تشویق مردم برای جمع‌آوری آداب و رسوم از طریق فراخوان مطبوعاتی انجام داده بود اما، در سال 1340 طرح برنامه رادیویی خود را در این زمینه به رادیو ایران پیشنهاد داد و در 25 فروردین 1341 اولین برنامه رادیویی پخش گردید. این برنامه که بر روی اولین صفحه باقیمانده آن با نام فولکور از آن یاد شده، در ساعت هیجده روز شنبه بیست و پنجم فروردین ماه سال 1341 از رادیو ایران پخش شد. در اولین برنامه فرهنگ مردم، دو گوینده زن و مرد (احتمالاً امیرابراهیمی و سلطانی) و ابوالقاسم انجوی شیرازی با نام مستعار نجوا) به عنوان کارشناس حضور داشتند. در این برنامه که گاه شکل نمایشی به خود می‌گرفت موضوع زائو و تولد کودک و آداب و رسوم مربوط به آن در شیراز بررسی می‌شد. این موضوع که هم با فصل بهار همخوانی داشت و هم با عنایت به شیرازی بودن انجوی گاه با گویش شیرازی همراه می‌شد، از جذابیت خاصی برخوردار شد و مخاطبان زیادی را به خود جذب کرد آنچه باعث شد که برنامه از مرز یک برنامه رادیویی عبور کند، دعوت از شنوندگان برای همکاری با برنامه بود.» (حنیف، 1396: 51)

این فرهنگ شامل دو بخش عناصر مادی: ابزارها، مسکن، خوراک، پوشاک، پیشه‌ها و مشاغل و اقتصاد و معیشت و عناصر معنوی: آیین‌های ملی و مذهبی، هنرهای قومی، سرگرمی‌ها، ادبیات عامه، زبان عامه، زندگی اسرارآمیز، آموزش و تربیت و باورها و عقاید. (ذوالفقاری، 1394: 10-11)

در میان عناصر پیش‌گفته، «ادبیات شفاهی یکی از اجزای مهم فولکلور یا فرهنگ مردم است. اهمیت آن به اندازه‌ای است که گاه مترادف یا به جای فولکلور به کار می‌رود. پیش از هر چیز باید گفت که ادبیات شفاهی جزئی از ادبیات است.» (قنوتی، 1394: 143)

انواع ادب عامه نیز عبارتند از: قصه‌های عامه، ادبیات نمایشی عامه (روضه‌خوانی، تعزیه، حمله‌سرایی و حمله‌خوانی، پرده‌خوانی، سخنوری و نقالی)، ادبیات غیرروایی عامه (ضرب‌المثلها، چیستان، شیء‌نگاری و اشعار عامه). (ذوالفقاری: 1394)

قنوتی (1394: 155-147) معتقد است ادبیات شفاهی ویژگی‌های عامی دارد که می‌توان این ویژگی‌ها را در متون گوناگون و انواع متفاوت ردگیری و مشاهده کرد و براساس آنها ادبیات مذکور را از ادبیات تألیفی متمایز کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

1. **مجهول المؤلف بودن:** متون شفاهی مؤلف معین و مشخصی ندارند. هیچ‌یک از افسانه‌ها و اکثر قریب به اتفاق داستان‌های سنتی ادب عامه مانند سمک عیار که شکل مکتوب آنها نیز در دست است، مؤلف مشخصی ندارند. حداکثر نام جامع یا گزارشگر آنها در مقدمه یا متن کتاب ذکر شده است.

2. **شکل انتقال:** انتقال ادبیات شفاهی، بر خلاف ادبیات تألیفی، به صورت شفاهی یا سینه به سینه است. همین امر موجب روایت‌های متنوع از یک متن شده است. مثلاً تا سال 1377 تنها در گنجینه اسناد فرهنگ مردم، 152 روایت از این افسانه گزارش شده است.

3. **تکرار:** تکرار یکی از ویژگی‌های متون شفاهی است. در موارد زیادی اتفاقات مشابهی با شرح یکسان روایت می‌شود. در داستان‌های سنتی فارسی مانند سمک عیار، داراب‌نامه طرسوسی، ابومسلم‌نامه و ... شواهد فراوانی از تکرار می‌بینیم.

4. **زبان:** زبان ادبیات شفاهی، همان زبان گفتاری مردم است. بنابراین، بسیاری از تعبیرها و ترکیب‌هایی که در زبان شفاهی وجود دارد، در زبان ادبی رسمی وجود ندارد. گرایش به صریح‌گویی و کاربرد کم واژه‌های عربی از ویژگی‌های این زبان است.

5. **سرگرم‌کنندگی:** سرگرم کردن مخاطب، رفع خستگی، ایجاد نشاط و پر کردن اوقات فراغت از ویژگی‌های ادبیات شفاهی است.

### روش پژوهش و جامعه آماری

در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی می‌تواند به عنوان روشی برای شناخت تشابه‌ها و همچنین تمایزها استفاده گردد (تیریزی، 1393: 105). این شیوه تحلیل، به منزله روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل اطلاعات مورد توجه پژوهشگران است. در تحلیل محتوای کمی ویژگی‌های یک پیام به شکل عینی و نظام‌مند تحلیل می‌شوند. اما «تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست.» (ایمان و نوشادی، 1390: 20)

در این پژوهش منظور از مؤلفه‌های ادبیات عامه به معنی ظهور هر یک از عناصر ادب عامه در سریال‌هاست، از جمله: ترانه و اشعار، چیستان، مثل، مثل، دعا و سوگند و قصه. این موارد در جامعه آماری بررسی شده و مصادیق آنها به شکل تمام‌شماری در قالب واحد تحلیل استخراج شده است.

جامعه آماری این تحقیق را سه مجموعه تلویزیونی **در پناه تو (1373)**، **اولین شب آرامش (1384)** و **تکیه بر باد (1391)** که در سه دهه اخیر از تلویزیون پخش شده و در زمان پخش خود از جمله سریال‌های پرمخاطب بوده‌اند، تشکیل می‌دهند. از هر سریال دو قسمت به شکل تصادفی، به گونه‌ای انتخاب شده‌است که نمایی از کل سریال را نشان دهد. قسمت‌های شش و بیست و چهار سریال بیست و شش قسمتی **در پناه تو** به کارگردانی حمید لبخنده، قسمت‌های شانزده و بیستم سریال بیست و شش قسمتی **اولین شب آرامش** به کارگردانی احمد امینی و قسمت‌های شش و بیست و دو سریال بیست و شش قسمتی **تکیه بر باد** به کارگردانی محمود معظمی جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند.

### تحلیل داده‌ها

**سریال در پناه تو** که در زمان پخش از جمله سریال‌های پرمخاطب تلویزیون بود، در تاریخچه سریال‌سازی تلویزیون نقطه عطفی محسوب می‌شود. در این سریال اولین بار موضوع عشق و روابط عاطفی پیش از ازدواج در قالب داستانی جذاب و مثلی عشقی به تصویر کشیده شد. مریم افشار (لعیا زنگنه) دانشجوی رشته طراحی صنعتی دانشگاه تهران و تنها فرزند خانواده‌ای از طبقه متوسط و فرهنگی (پدر ایرج افشار (شغل دولتی) و مادر آزیتا لاجینی (خانه‌دار)) است. رامین (رامین پرچمی)، محمد منصوری (مرحوم حسن جوهرچی) و پارسا (پارسا پیروزفر) از دیگر بازیگران اصلی این سریال هستند.



مجموعه تلویزیونی **اولین شب آرامش** محصول سال ۱۳۸۵-۱۳۸۴ است که از شبکه سه پخش شد. ماجرای این مجموعه با نه گفتن دختری بر سر سفره عقد آغاز می‌شود. آذر (شبنم قلی‌خانی) از ازدواج با علیرضا (مهدی پاکدل) منصرف می‌شود تا با نامزد قبلی‌اش فرزاد (شهرزاد ابراهیمی) که در حال بازگشت به ایران است، ازدواج کند. نوشین (یکتا ناصر) دوست آذر و خواهر ناتنی فرزاد، مشوق آذر در این تصمیم‌گیری است.



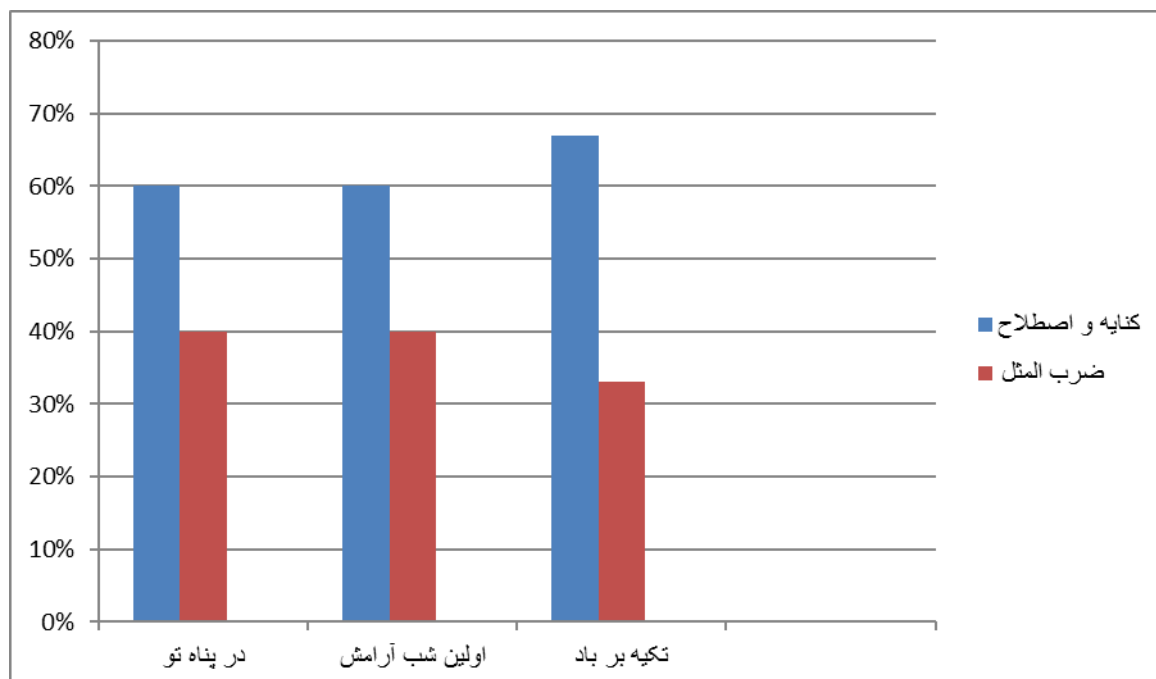


مجموعه **تکیه بر باد** ماجرای دختری به نام عاطفه (افسانه پاکرو) است که برای تحصیل در رشته حقوق از شیراز به تهران آمده است و تصمیم می‌گیرد با نادر محسنیان (مهدی فخریم‌زاده) که هم‌سن پدرش است و صاحب شرکت دارویی است ازدواج کند. خانواده عاطفه که خانواده‌ای سنتی و مذهبی هستند به شدت با این ازدواج مخالفت می‌کنند. عاطفه برادری به نام مهدی (اشکان خطیبی) دارد که قرار است با فاطمه (گلاره عباسی) که هم‌سن و سال و دوست عاطفه است ازدواج کند.



در این مقاله تلاش شد مصادیقی از ادبیات عامه از جمله: ترانه و اشعار، چیستان، مثل، مثل، کنایه و اصطلاح و قصه در سه مجموعه استخراج گردد. ابتدا متن کلیه قسمت‌های منتخب پیاده شد و بعد تحلیل صورت گرفت. در داده‌های بدست آمده هیچ موردی از ترانه، مثل، چیستان و قصه یافت نشد. در مورد شعر نیز تنها در نمونه‌های بررسی شده در مجموعه «اولین شب آرامش» سه مورد شعر استخراج شد که عبارتند از: به کجا می‌برد این امید ما را؟، پیش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود و ترسم که اشک در غم ما پرده در شود. یک مورد سوگند: یا فاطمه زهرا نیز در سریال «تکیه بر باد» مشاهده شد.

در دو جدول زیر میزان و نحوه کاربرد کنایه و اصطلاح و ضرب‌المثل در نمونه‌های بررسی شده سه مجموعه ارائه شده است.



#### نمودار 1- میزان کاربرد ضرب المثل و کنایه و اصطلاح در سه مجموعه

همانطور که نمودار بالا نشان می‌دهد میزان کاربرد ضرب المثل و کنایه و اصطلاح در سریال «در پناه تو» در مقایسه با دو سریال «اولین شب آرامش» و «تکیه بر باد» نزدیک به پنجاه درصد بیشتر است. همچنین نمودار 1 نشان می‌دهد میزان کاربرد کنایه و اصطلاح در هر سه مجموعه بیشتر از کاربرد ضرب المثل است. فراوانی کاربرد ضرب المثل و کنایه و اصطلاح در قسمت‌های بررسی شده سریال «در پناه تو» در مجموع 30 مورد بوده است که از این میزان توزیع کاربرد ضرب المثل در برابر کاربرد کنایه و اصطلاح، 40% به 60% درصد بوده است. در سریال «اولین شب آرامش» نیز در مجموع 12 مورد مثل و کنایه و اصطلاح به کار رفته است که در این مجموعه نیز میزان کاربرد مثل 60% بوده است. در سریال «تکیه بر باد» نیز میزان کاربرد کنایه و اصطلاح به 67% درصد در برابر 33% درصد مثل رسیده است. تعداد فراوانی کل 18 مورد بوده است. مثل یکی از گونه‌های مشترک میان ادب شفاهی و کتبی است که در زبان گفتاری و نوشتاری از آن با عنوان ضرب المثل یاد می‌شود. گاهی از مثل به جای برهان و گاهی برای بیان پند و اندرز به کار می‌رود (قنواتی، 1394:335). برای اطمینان از مثل بودن موارد ثبت شده در سه مجموعه، همه موارد با فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های فارسی (دو جلدی)، دکتر ذوالفقاری (1388) مقابله شده است.

چند نمونه از مثل‌های به کار رفته عبارتند از:

-دست گل به آب دادن. (در پناه تو)

-حرف حساب جواب نداره. (در پناه تو)

-سکه یه پول شدن. (در پناه تو، اولین شب آرامش، تکیه بر باد)

-بالای چشمت ابروست. (در پناه تو)

-چشم به راه داره. (در پناه تو)

-همه آتوها از گور تو بلند می‌شه. (در پناه تو)

-دست گل به آب دادن. (در پناه تو)

-چشم به راه دارد. (در پناه تو)

-آب شد رفت تو زمین. (در پناه تو)

-دست از سر کچلم بر دار. (در پناه تو)

-خیر پیش. (در پناه تو)

-مهره مار دارد. (اولین شب آرامش)

-رفیق نیمه‌راه شدن. (اولین شب آرامش)

-اشکش در آستین است. (اولین شب آرامش)

-از تعارف کم کن و ... (اولین شب آرامش)

-تره به تخمش می‌ره، حسنی به باباش. (تکیه بر باد)

-کارد به شکمت بخورد. (تکیه بر باد)

-چوبش را می‌خورد. (تکیه بر باد)

-کاری می‌کنید که چوپونه با بز گر می‌کنه. (تکیه بر باد)

-سرت به کار خودت باشه. (تکیه بر باد)

کنایه به معنی چیزی آشکار را نهان کردن است. ارزش ادبی کنایه در آن است که شنونده با تلاش ذهنی به معنای پوشیده پی می‌برد. در کنایه معنی واقعی سخن نیز پذیرفتنی است و مقصود گوینده همان است. کنایه به دو دسته: کنایه بر پایه معنا و کنایه بر اساس شکل به کارگیری تقسیم می‌شود. در نوع اول خود به دو نوع تقسیم می‌شود: الف) کنایه از موصوف: به این معنا که صفتی را با موصوفی همواره می‌آورند. مانند دست سواران نیزگزار (سرزمین اعراب؛ ب) کنایه از صفت: که راه بردن به معنایی کنایی آن گاه آسان و گاه دشوار است. مانند: تنگ چشم (خسیس). کنایه بر اساس شکل نیز به چهار گونه: تعویض، تلویح، رمز و ایما تقسیم می‌شود. (کزازی، 156-1368:178)

چند نمونه از کنایه‌های به کار رفته در مجموعه‌های بررسی شده:

-هر که بامش بیش برفش بیشتر. (در پناه تو)

-اگر رو کاشتن ولی هیچی در نیومد. (در پناه تو)

-خودش می‌برد و خودش می‌دوزد. (در پناه تو)

-روی پای خودت وایسا. (در پناه تو)

-ذکر خیرتون بود. (در پناه تو)

-به وقتش. (در پناه تو)

-با نگاه به ابرها راه رفتن. (در پناه تو)

- دور کسی را خط کشیدن. (اولین شب آرامش)

-به باد هوا دادن. (اولین شب آرامش)

- از ما بهترون. (اولین شب آرامش)

-آب زیر کاه. (اولین شب آرامش)

-نش قبر کردن. (اولین شب آرامش)

-- زمین و زمان رو بهم دوختن. (تکیه بر باد)

- مار در آستین خود پروراندن. (تکیه بر باد)

- تیغ زدن. (تکیه بر باد)

- خون به پا کردن. (تکیه بر باد)

- خون جگر خوردن. (تکیه بر باد)

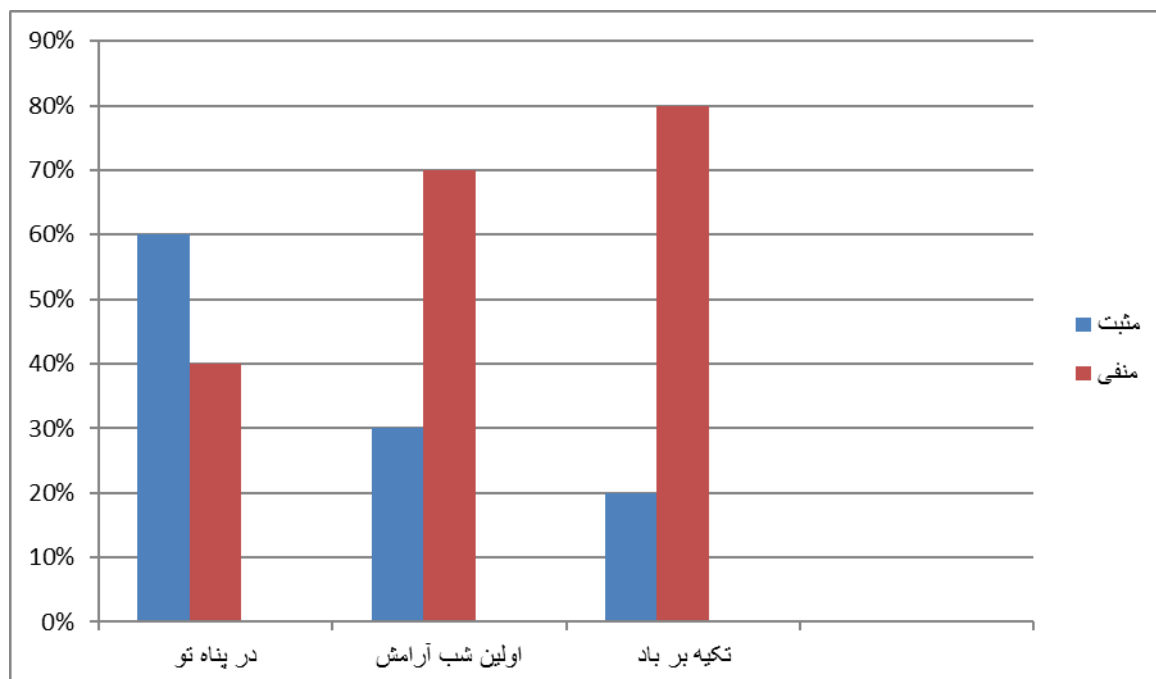
- نخود هر آش بودن. (تکیه بر باد)

- پوست کلفت. (تکیه بر باد)

- فقط خواجه حافظ شیرازی نشنیده. (تکیه بر باد)

-خون جگر. (تکیه بر باد)

در مرحله بعد کنایه‌ها و اصطلاحات و مثلها بر اساس بار معنایی مثبت و یا منفی تفکیک شدند. در جدول زیر کنایه‌ها و مثلها بر حسب بار معنایی مثبت (از تعارف کم کن و بر مبلغ افزا) یا منفی (سکه یک پول شدن) ارائه شده‌اند.



## نمودار 2- میزان کاربرد ضرب‌المثل و کنایه و اصطلاح در سه مجموعه به تفکیک بار معنایی مثبت و منفی

نمودار 2 نشان می‌دهد که بار منفی مثلها و کنایه‌ها و اصطلاحات در دو سریال «اولین شب آرامش» و «تکیه بر باد» بیش از «در پناه تو» است. بدین ترتیب، ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در دو سریال «اولین شب آرامش» و «تکیه بر باد» بیشتر با القای معنای منفی همراه بوده است، مانند: سکه یک پول شدن و رفیق نیمه راه شدن، خون جگر. بر اساس نمودار بالا بیشترین میزان مثلها و کنایه‌های منفی در سریال «تکیه بر باد» مشاهده شده است.

## نتیجه‌گیری

جمع‌آوری فرهنگ مردم در ایران با برنامه رادیویی مرحوم انجوی شیرازی شکل تازه‌ای به خود گرفت. در سال‌های پخش برنامه انجوی بیش از چهارهزار شنونده با نوشتن و ارسال آداب و رسوم زادگاه خود، روش‌های ساده مردم‌نگاری و گزارش‌نویسی توصیفی فرهنگ عامه را آموختند. از این رو، باید مرحوم استاد انجوی شیرازی را به‌حق پدر فرهنگ مردم ایران نامید. چراکه تا پیش از وی، در راه جمع‌آوری فولکلور، با این وسعت و برنامه‌ریزی در کشور اقدامی صورت نگرفته بود. هنوز نیز بعد از گذشت بیش از پنج دهه، فرهنگ مردم ایران به شیوه‌ای که وی پایه‌گذاری کرد، در واحد فرهنگ مردم صداوسیما جمع‌آوری می‌شود. اما پس از گذشت بیش از نیم‌قرن، توجه به فرهنگ مردم در رسانه ملی محدود به

چند برنامه رادیویی و مستند تلویزیونی شده است. این درحالی است که عناصر فرهنگ مردم، به ویژه ادب عامه، ظرفیت فراوانی برای کاربرد در انواع برنامه های تلویزیونی به ویژه سریال ها دارند.

نتایج مقاله حاضر نشان می دهد نگاهی پژوهشگرانه به مقوله فرهنگ مردم به ویژه ادبیات شفاهی، در حوزه سریال سازی که یکی از جذاب ترین قالب های برنامه سازی است و مخاطب فراوانی دارد، وجود ندارد و از میان مصادیق متنوع ادب عامه، تنها معدود مواردی از مثل و کنایه در متن سریال ها به کار رفته بود و دیگر اشکال ادب عامه از قصه و افسانه گرفته تا ترانه و شعر غایب بودند. در سه سریال منتخب این مقاله، مقوله ازدواج محور اصلی داستان بود. اگر همین موضوع با توجه به ویژگی های آن در آینه فرهنگ مردم با تأکید بر مشترکات ملی، از باورها گرفته تا تظاهرات مادی دیده می شد، بستر مناسب و جذابی برای عرضه آموزه های فرهنگ مردم مهیا می گشت. به نظر می رسد شتاب زدگی در کلیه مراحل سریال سازی از نگارش گرفته تا اجرا، موجب شده است تا در تولید سریال به مباحث فرهنگ عامه کمتر توجه شود.

مقاله اخیر نشان می دهد با مدرن شدن فضای سریال سازی در ایران، میزان توجه به سنت و فرهنگ بومی کاهش می یابد. از این رو، در سریال دهه هفتاد نسبت به دو دهه بعد، شاهد کاربرد بیشتر ادب عامه آن هم از نوع امید آفرین (وجه مثبت) نسبت به هشدار و تهدیدی (وجه منفی) هستیم.

در چند دهه اخیر، جهانی شدن توجه بیشتر به فرهنگ را موجب شده است. گسترش گفتمان غالب، یکی از ابعاد جهانی شدن است. اما چگونه می توان با گسترش گفتمان غالب مقابله کرد؟ به نظر می رسد یکی از راه هایی که می تواند به مقابله با جهانی شدن کمک کند، تقویت گفتمان های بومی است. توجه به ادب عامه نیز می تواند در این مسیر راهگشا باشد.

## منابع

آذری، حسن، (1386). بازنمایی فرهنگ های محلی در تلویزیون ایران: تحلیل گفتمان انتقادی فرهنگ لری در سریال تلویزیونی «باران بهاری»، پایان نامه کارشناسی ارشد تحقیق در ارتباطات، تهران: دانشکده صداوسیما.

- آشنا، حسام‌الدین و روحانی، محمدرضا، (1389)، «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره 3، ش 4: 157-185.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم، (1371)، گذری و نظری در فرهنگ مردم، با همکاری محمود ظریفیان، تهران: اسپرک.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمدرضا، (1390)، «تحلیل محتوای کیفی»، در فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، صص 15-44.
- تبریزی، منصوره، (1393)، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، 64، صص 105-138.
- تمیم‌داری، احمد، (1394)، فرهنگ عامه، تهران: مهکامه.
- جعفری قنواتی، محمد، (1394)، درآمدی بر فلکلور ایران، تهران: جامی.
- حاجیانی، ابراهیم، (1388)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- رضایی، محمد و کاظمی، عباس، (1387) «بازنمایی اقلیت‌های قومی در سریال‌های تلویزیونی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. شماره 4. صص 91-118.
- روح‌الامینی، محمود، (1379)، مبانی انسان‌شناسی (گرد شهر با چراغ)، چ 9، تهران: عطار.
- زاهد، سعید، (1384)، «هویت ملی ایرانیان»، فصلنامه راهبرد یاس، س 1، ش 4، صص 129-138.
- ذوالفقاری، حسن، (1388)، فرهنگ بزرگ ضرب‌المثلهای فارسی (دو جلدی)، تهران: معین.
- ذوالفقاری، حسن، (1394)، زبان و ادبیات عامه ایران، تهران: سمت.
- ساعی، منصور، (1389)، تلویزیون و هویت ملی؛ بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی در سریال‌های تاریخی درجه الف تلویزیونی در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه دکتری رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- عظیمی فرد، فاطمه، (1395)، «بازنمایی عناصر فرهنگ مردم در مجموعه‌های تلویزیونی سیما»، فصلنامه مردم و فرهنگ، شماره 4، صص 39-58.
- کزازی، میرجلال‌الدین، (1368)، زیباشناسی سخن پارسی، تهران: ماد.



لاجوردی‌زاده، شب‌نم و ماحوزی، مهدی، (1392)، «عناصری از فرهنگ عامه در رمان همسایه‌ها (احمد محمود)»، فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، شماره 17، صص 74-90.

ماکویی، سویل، (1396)، بازنمایی مؤلفه‌های فرهنگ مردم در مجموعه‌های تلویزیونی؛ مطالعه موردی سریال «پرده‌نشین»، تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما.

مزیدی، علی‌محمد و امام‌راد، محمدجواد، (1390). «تأثیر رسانه‌ها بر هویت». رسانه و هویت (شماره 84)، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک.

محمودی‌بختیاری، بهروز، (1396)، بازنمایی زبان و فرهنگ اقوام ایرانی در سریال‌های تلویزیونی رسانه ملی، تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما. (زیر چاپ)

مظاهری، سهراب، (1387)، «اهمیت فرهنگ مردم و رسالت‌مندی رسانه‌ها». فرهنگ مردم ایران، شماره 13، صص 5-32.

مک‌لوهان، مارشال، (1377)، برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما و سروش.

Howarth, C. (2002) Identity in whose eyes? the role of representations in identity construction. **Journal for the theory of social behavior**, 32 (2). pp. 145-162.